

دکتر رابرت ای. پترسون، رستگاری، جلسه ۱۵، فرزندخواندگی، بخش ۲، و تقدیس مسیح، بخش ۱ بررسی تاریخی

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

این دکتر رابرت پترسون در تدریس خود در مورد رستگاری است. این جلسه ۱۵، فرزندخواندگی، بخش ۲، و تقدیس، بخش ۱، بازشناسی تاریخی است.

ما سخنرانی‌های خود در مورد رستگاری را با جنبه خاصی از کاربرد رستگاری که به عنوان فرزندخواندگی شناخته می‌شود، ادامه می‌دهیم.

ما در مورد نیازمان به آن، بردگی در برابر گناه و نفس، منبع فرزندخواندگی، عشق خدا، اساس شخصیت مسیح از طریق پسر ابدی خدا صحبت کرده‌ایم، ما پسران یا دختران معنوی خدا می‌شویم. او ذاتاً پسر خدا بود ما به واسطه فیض و از طریق ایمان پسران یا دختران معنوی خدا می‌شویم، و اکنون فرزندخواندگی به معنای، و باید دوباره بگوییم، شاید، تصویر کفاره‌ای که از نظر کتاب مقدس با فرزندخواندگی مطابقت دارد، درست در غلاطیان ۴، ۱ تا ۷، رستگاری است. فرزندخواندگی به معنای ایمان است.

مانند عادل‌شمردگی، فرزندخواندگی از طریق فیض و از طریق ایمان به مسیح حاصل می‌شود. فرزندخواندگی تماماً از فیض است، زیرا ما به عنوان بردگان گناه و نفس، هرگز نمی‌توانیم خود را نجات دهیم. مزمور ۴۹: ۷ تا واضح است، نقل قول، واقعاً هیچ انسانی نمی‌تواند دیگری را فدی دهد یا بهای جان او را به خدا بدهد، زیرا فدی جان آنها گران است و هرگز نمی‌تواند کافی باشد، تا او برای همیشه زنده بماند و هرگز چاه را نبیند، نقل قول نزدیک.

به همین دلیل است که، این مزمور ۴۹: ۷ تا ۹ است، به همین دلیل است که پولس رستگاری را فقط در مسیح می‌یابد، نقل قول از افسسیان ۱: ۷، در او ما از طریق خون او رستگاری داریم، بخشش گناهانمان افسسیان ۱: ۷. در واقع، پولس فرزندخواندگی نهایی ما را به عنوان رستگاری بیان می‌کند، رومیان ۸: ۲۳ یادداشت‌های من اشتباه است. ما خودمان که روح را به عنوان اولین میوه‌ها داریم، نیز در درون خود آه می‌کشیم و مشتاقانه منتظر فرزندخواندگی، رستگاری بدن‌هایمان هستیم، رومیان ۳، رومیان ۸: ۲۳.

همانطور که پولس شهادت می‌دهد، رستگاری در مسیح از طریق ایمان به دست می‌آید. غلاطیان ۳: ۲۶ می‌گوید: «از طریق ایمان، همه شما در مسیح عیسی پسران خدا هستید.» و اگرچه برخی فکر می‌کنند که یوحنا فقط از تجدید حیات صحبت می‌کند، نه از فرزندخواندگی، همانطور که در یوحنا ۱: ۱۳ نیز آمده است. به نظر می‌رسد آیه ۱۲ از اول یوحنا ۱ از فرزندخواندگی از طریق ایمان به مسیح صحبت می‌کند.

اما به همه کسانی که مسیح را پذیرفتند، او به آنها حق داد که فرزندان خدا شوند، به کسانی که به نام او ایمان دارند. علاوه بر این، روح ما را قادر می‌سازد که ایمان بیاوریم و در نتیجه فرزندخواندگی حاصل می‌شود. روح هدیه ایمان را می‌دهد.

اول قرن‌تین ۱۲، حدود ۳، هیچ کس نمی‌تواند بگوید عیسی خداوند است، مگر به واسطه روح القدس. و در اینجا روح ما را قادر می‌سازد تا به فرزندخواندگی ایمان بیاوریم. پولس در رومیان ۸: ۱۵ می‌گوید، شما روح فرزندخواندگی را دریافت کرده‌اید که به واسطه آن فریاد می‌زنیم، ابا، پدر، رومیان ۸: ۱۵.

آبا «یک کلمه آرامی است که بچه‌ها برای خطاب قرار دادن پدر عزیزشان استفاده می‌کنند، خیلی شبیه» بابا «یا» پاپا. «توجیه، و به معنی «دادا» نیست، این یک حرف بچه‌گانه نیست. این کلمه‌ای است که یک» کودک به پدری می‌زند که مورد احترام و دوست‌داشتن است.

توجیه و فرزندخواندگی هر دو تصاویری از رستگاری هستند که از دادگاه گرفته شده‌اند. توجیه در بخش کیفی است. فرزندخواندگی در دادگاه خانواده است.

هر دو به لطف خدا و از طریق ایمان تنها به مسیح حاصل می‌شوند. عادل‌شمردگی یعنی اینکه خدا با نسبت دادن عدالت مسیح به مؤمنان، آنها را عادل اعلام کند، در حالی که فرزندخواندگی یعنی اینکه پدر، مؤمنان را به عنوان فرزندان محبوب خود در خانواده خود بپذیرد. رومیان ۸:۱۵، شما روح فرزندخواندگی را دریافت «می‌کنید که به وسیله آن فریاد می‌زنیم»: ابا، پدر

یعنی، روح ما را قادر می‌سازد تا خدا را به راستی پدر بنامیم. امروزه در سراسر جهان، میلیون‌ها نفر دعا می‌کنند: پدر ما، دعای ربانی، پدر ما که در آسمان است و غیره. و بسیاری از آنها خداوند را نمی‌شناسند.

بنابراین، رومیان ۸:۱۵ نمی‌گوید که بیان کلمات «ای پدر ما» بدون نجات یافتن غیرممکن است. نه، منظور این است که بیان این کلمات و معنی دادن به آنها و شناخت خدا به عنوان پدر، جدا از روح القدس، غیرممکن است. به همین دلیل است که رومیان ۸ او را روح فرزندخواندگی می‌نامد.

به آن فکر کنید. خدا پدر، پسر و روح القدس است. نام دو شخص اول تثلیث برای آموزه فرزندخواندگی بسیار مفید است.

خدا پدر است. خدا پسر است. نام روح القدس، با احترام صحبت می‌کنم، به ما حس گرمی و صمیمیت نمی‌دهد.

بنابراین، خدا چه می‌کند؟ او نام شخص سوم الوهیت را تغییر می‌دهد تا آموزه فرزندخواندگی را بهتر به ما منتقل کند. او روح فرزندخواندگی است، رومیان ۸:۱۵. او روح پسرش است.

اشاره او به پدر، غلاطیان ۴:۶ است. روح القدس روح پسر اوست. یعنی روح القدس روح پسر پدر است. در این عبارت، کل تثلیث روح پسر اوست.

بنابراین، خداوند نام شخص سوم تثلیث را تغییر می‌دهد تا عشق خود را در فرزندخواندگی به ما عطا کند. فرزندخواندگی و اتحاد با مسیح. اگر با دقت توجه کرده باشید، می‌توانید این مورد را پیش‌بینی کنید.

مانند هر جنبه‌ی دیگری از کاربرد نجات، فرزندخواندگی در اتحاد با مسیح رخ می‌دهد. نقل قول، غلاطیان از طریق ایمان، شما همگی پسران خدا در مسیح عیسی هستید. در مسیح عیسی در اینجا از اتحاد با، ۳:۲۶، مسیح سخن می‌گوید.

بنابراین پولس تعلیم می‌دهد که ایمان وسیله‌ای است که غلاطیان ایماندار به وسیله آن به فرزندی پذیرفته می‌شوند و فرزندخواندگی در اتحاد با مسیح اتفاق می‌افتد. اتحاد با مسیح حلقه بزرگ فرزندخواندگی، عادل‌شمردگی، تقدیس، گرویدن و هر برکت دیگری در مسیح است که در مسیح عیسی وجود دارد. آنها در آن حلقه بزرگتر قرار دارند.

فرزندخواندگی زیرمجموعه‌ای از اتحاد با مسیح است. اکثر محققان و مترجمان، عبارت «مسیح عیسی» را مستقل و نه به عنوان موضوع ایمان در نظر می‌گیرند. مو موافق است و توضیح می‌دهد، نقل قول؛ اگر این دو عبارت را مستقل در نظر بگیریم، دو عنصر کلیدی آموزه‌های پولس در غلاطیان و در واقع، الهیات او به طور کلی را خلاصه می‌کنند.

رابطه ما با خدا از طریق اتحاد ما با مسیح عیسی برقرار می‌شود و این اتحاد، به نوبه خود، توسط ایمان ما تضمین می‌شود. از طریق ایمان، همه شما پسران خدا در مسیح عیسی هستید. غلاطیان ۳:۲۶

فرزندخواندگی‌ها و برکات بسیارند. من پنج مورد از آنها را خلاصه می‌کنم. حداقل پنج برکات شگفت‌انگیز از فرزندخواندگی ما در خانواده پدر وجود دارد.

اولاً، ما به پدر آسمانی خود تعلق داریم و عضوی از خانواده او هستیم. غلاطیان ۴:۴ و ۵. خدا پسر خود را فرستاد تا کسانی را که تحت شریعت هستند، نجات دهد تا ما بتوانیم فرزندخواندگی را دریافت کنیم. غلاطیان ۴:۴ و ۵. خدا پدر ماست و ما پسران یا دختران او هستیم ۴:۴.

خداوند با قرار دادن ما به عنوان فرزندان بالغ در خانواده‌اش، نیاز عمیق ما به تعلق خاطر را برآورده می‌کند. ما. خدا را می‌شناسیم و او ما را می‌شناسد. همه مؤمنان دیگر، برادران و خواهران ما در مسیح هستند.

من در تعدادی از جلسات اعتکاف در مورد موضوع فرزندخواندگی سخنرانی کرده‌ام و کتابی برای انتشارات با عنوان «فرزندخواندگی توسط خدا» نوشته‌ام. و در کمال تعجب، متوجه شدم که دو کشیش یا استاد PNR دیگری که در این جلسه اعتکاف تدریس می‌کردند، به همان دلیلی که من به آموزه فرزندخواندگی جذب شده بودم - یک فقدان واقعی در روابط ما با پدران زمینی مان - به این آموزه جذب شده بودند.

علاوه بر این، در یک خلوتگاه مخصوص آقایان، من مورد لطف قرار گرفتم زیرا همان آموزه‌های ساده در مورد فرزندخواندگی را که اکنون ارائه می‌دهم، شاید در قالبی متفاوت، اما همان آموزه‌های رومیان ۸ و غلاطیان ۴ دو بخش کلیدی در مورد فرزندخواندگی، ارائه دادم. غلاطیان ۴: ۱ تا ۷. رومیان ۸، مانند ۱۴ تا ۱۹، درست در همان جا. و خدا مرا برکت داد.

و در زمان اشتراک گذاری بر سر میزهای بعد از آن، مردان گریه می‌کردند، مردان بالغ، احتمالاً فقط به این دلیل که در حضور برادرانشان و بدون همسرانشان بودند، گریه می‌کردند زیرا فقدان عشق پدر زمینی خود را احساس می‌کردند، فقدانی که در آن غرق شده بودند، و فقط از شادی گریه می‌کردند که غرق در خوبی و لطف عشق پدر آسمانی خود بودند، که کاملاً جایگزین آن فقدان عشق از سوی پدر زمینی نشد، اما مطمئناً در قلب‌هایشان برایشان کاری شگفت‌انگیز انجام داد. این یک نعمت بزرگ بود که ابزار خدا باشیم و شاهد کار خدا باشیم. خدا با قرار دادن ما به عنوان فرزندان بالغ در خانواده‌اش، نیاز عمیق ما به تعلق خاطر را برآورده می‌کند.

او پدر ماست. ما فرزندان او هستیم. ما او را می‌شناسیم.

او ما را می‌شناسد. همه ایمانداران دیگر برادران و خواهران ما در مسیح هستند. دوم، خدا به ما روح فرزندخواندگی می‌دهد که ما را قادر می‌سازد او را به راستی پدر بنامیم.

همانطور که چند دقیقه پیش خواندم، پولس در رومیان ۸:۱۵ می‌نویسد، زیرا شما روح بندگی را دریافت نکرده‌اید تا دوباره در ترس فرو روید. در عوض، شما روح فرزندخواندگی را دریافت می‌کنید که به وسیله آن

، فریاد می‌زنیم: ابا، پدر، روح القدس. روح فرزندخواندگی ما را به سوی ایمان نجات‌بخش به نجات‌دهنده عیسی، سوق می‌دهد تا بتوانیم وارد خانواده خدا شویم. این روح همچنین نقش دومی ایفا می‌کند.

به عنوان یک نقل قول، در آیه رومیان ۸:۱۶، خودِ روح به همراه روح ما شهادت می‌دهد که ما فرزندان خدا هستیم. رومیان ۸:۱۶، به طرز مرموزی، خودِ روح به همراه روح انسانی ما شهادت می‌دهد که ما فرزندان خدا هستیم. به طرز مرموزی، روح در درون ما به ما اطمینان می‌دهد که خدا پدر ماست و ما از آن او هستیم.

او ترس ما را با آزادی جایگزین می‌کند. مهمترین وسیله خدا برای اطمینان دادن به فرزندان، وعده‌های کلام اوست. اما ما خوشحالیم که امید به آن وعده‌ها، ما را ناامید نخواهد کرد، زیرا عشق خدا از طریق روح القدس که به ما عطا شده است، در قلب‌های ما ریخته شده است.

نقل قول نزدیک، رومیان ۵:۵. مثل همیشه، اطمینان خاطر بر سه چیز استوار است، کلام خدا در بیرون از ما، خدمت روح القدس در درون ما، و خدا در زندگی ما، چه در درون و چه در بیرون، اگر بخواهید. دو مورد آخر ذهنی، کتاب مقدس، شگفت‌انگیز و واقعی هستند، اما به اندازه مورد اول اهمیت ندارند. در این مورد فرزندخواندگی، وعده نجات خدا چیزی است که باید اطمینان خود را بر آن بنا کنیم زیرا گاهی اوقات نمی‌توانیم روح القدس را در درون خود احساس کنیم و گاهی اوقات، زندگی ما را تشویق نمی‌کند، بلکه دلسرد می‌کند.

و در تمام این مدت، کلام او پابرجاست که همه کسانی که به مسیح ایمان دارند، فرزندان خدای زنده هستند. سوم، نعمت دیگر فرزندخواندگی، به لطف و روح خدا، ما شبیه پدر آسمانی خود می‌شویم. من این را اصل شباهت خانوادگی می‌نامم.

ما دیگر، ما دیگر متعلق به پدرمان شیطان نیستیم و دیگر نمی‌خواهیم خواسته‌های او را انجام دهیم، یوحنا را مقایسه کنید. در عوض، ما متعلق به خدا، پدرمان هستیم. ما او را دوست داریم و می‌خواهیم او را ۸:۴۴. خشنود کنیم، رومیان ۸:۱۴.

زیرا همه کسانی که توسط روح خدا هدایت می‌شوند، پسران خدا هستند، رومیان ۸:۱۴. اگرچه کتاب مقدس هدایت الهی را آموزش می‌دهد، اما نه در این آیه. این آیه از هدایت الهی صحبت نمی‌کند، که حقیقت کتاب مقدس است.

بلکه، از مؤمنانی سخن می‌گوید که در قدوسیت و عشق از رهبری روح پیروی می‌کنند. یعنی، همه کسانی که توسط روح خدا هدایت می‌شوند، پسران خدا هستند. ما توسط روح خدا هدایت می‌شویم، همانطور که سربازان عادی توسط گروهان خود در ارتش هدایت می‌شوند.

ما از روح خدا پیروی می‌کنیم. ما از روح خدا اطاعت می‌کنیم. و به این ترتیب، ما شباهت خانوادگی به پدرمان در آسمان داریم.

ما در تقدس و عشق از رهبری روح پیروی می‌کنیم. به لطف توانمندساز خداوند، ما این کار را انجام می‌دهیم و بدین ترتیب به پدرمان در آسمان شباهت پیدا می‌کنیم. آیا در این زندگی کاملاً؟ هرگز.

واقعاً در این زندگی؟ بله، به لطف خدا و روح او. چهارم، خدا ما، فرزندان را تأدیب می‌کند. پدر ما را دوست دارد و ما را اصلاح می‌کند.

نویسنده رساله به عبرانیان، عشق و محبت شدید خود را با مسیحیانی که به خاطر ایمانشان آزار و اذیت را تحمل می‌کنند، به اشتراک می‌گذارد. رومیان ۱۲، عبرانیان ۱۲:۷، و سپس ۹ و ۱۰. خداوند کسی را که دوست

دارد، تأدیب می‌کند و هر فرزندی را که به او می‌رسد، تنبیه می‌کند؛ هر پسری را که به او می‌رسد، رنج و عذاب را به عنوان تأدیب تحمل می‌کند.

خدا با شما همچون پسران رفتار می‌کند. گذشته از این، ما پدران زمینی داشتیم که ما را تأدیب می‌کردند و ما به آنها احترام می‌گذاشتیم. آیا نباید بیشتر تسلیم پدر ارواح شویم و زنده بمانیم؟ زیرا آنها، پدران زمینی، ما را برای مدت کوتاهی بر اساس آنچه برایشان خوب بود، تأدیب کردند.

اما او این کار را برای منفعت ما انجام می‌دهد تا بتوانیم در قداست او سهیم باشیم. عبرانیان ۷:۱۲ و ۹ و ۱۰. پنجمین برکت فرزندخواندگی.

موارد بیشتری وجود دارد. من فقط پنج مورد را انتخاب کرده‌ام که به نظر من جزو مهمترین آنها هستند. ما یک ارث داریم.

مانند سایر جنبه‌های نجات ما، فرزندخواندگی هم از قبل وجود دارد و هم هنوز نه. اول یوحنا ۲:۳. دوستان عزیز، ما اکنون فرزندان خدا هستیم و آنچه خواهیم بود هنوز آشکار نشده است. ما می‌دانیم که وقتی او ظاهر شود، مانند او خواهیم بود زیرا او را آنطور که هست خواهیم دید.

اول یوحنا ۲:۳. پولس تعلیم می‌دهد که فرزندخواندگی هم واقعی‌تری است و هم واقعی‌تری آینده است. غلاطیان ۴:۷. تو دیگر برده نیستی، بلکه پسر هستی، و اگر پسری، پس خدا تو را وارث قرار داده است. غلاطیان ۴:۷. ما اکنون پسر یا دختر هستیم، و همچنین وارث میراث آینده نیز هستیم.

چون ما پسران خدا هستیم، وارثان نیز هستیم. من نقل قول می‌کنم، وارثان خدا و هم‌ارث با مسیح. اگر واقعاً با او رنج می‌بریم، باشد که همه ما با او جلال یابیم.

رومیان ۸:۱۷. در واقع، ما مشتاق فرزندخواندگی نهایی خود هستیم. نقل قول: ما خود روح را به عنوان اولین میوه‌ها داریم، و همچنین در درون خود با اشتیاق منتظر فرزندخواندگی و رهایی بدن‌هایمان هستیم.

جنبه بعدی کاربرد نجات که مورد مطالعه قرار خواهیم داد، تقدیس است. پس از خلاصه‌ای کوتاه از کتاب مقدس، یک بررسی تاریخی انجام خواهیم داد و به دیدگاه‌های لوتری، وسلی، کسویک، پنطیکاستی و اصلاح‌شده در مورد زندگی مسیحی نگاهی خواهیم انداخت. سپس، پس از ارزیابی دیدگاه‌ها، به صورت‌بندی‌های سیستماتیک تقدیس خواهیم پرداخت.

تقدیس و تثلیث. تقدیس در اتحاد با مسیح. تقدیس در نقش ما.

و بعد از آن به موضوع دیگری خواهیم پرداخت. تقدیس، خلاصه کتاب مقدس. خدا در تعالی و شخصیت خود مقدس است.

او از هیچ گناه یا نقصی پاک و مبرا است. او از هر چیزی در جهان خلقت جدا و متمایز است. تقدیس همانطور که کتاب مقدس تعلیم می‌دهد، به چیزی اشاره دارد که وقف یا وقف خدا شده است.

چیزی که از کاربرد رایج جدا یا متمایز است. مؤمنان به عیسی مسیح در ابتدا در نظر خدا تقدیس یا مقدس هستند. آنها به واسطه کار مسیح بر روی صلیب، مقدس هستند.

در عین حال، از مؤمنان خواسته شده است که در تقدس خود به عنوان مؤمن رشد و پیشرفت کنند. فرآیندی وجود دارد که طی آن ما بیشتر و بیشتر به تصویر عیسی مسیح تبدیل می‌شویم. این فرآیند در روز آخر به کمال و هدف خود خواهد رسید، زمانی که مؤمنان در تقدس کامل شده و دگرگون می‌شوند، به طوری که در برابر خدا بی‌عیب و نقص هستند.

بررسی تاریخی تقدیس، که در واقع ما را به دیدگاه‌های مختلف انجیلی در مورد زندگی مسیحی می‌رساند. این دفاعیات از ایمان در برابر جهان و دشمنان ایمان نیست، بلکه بحثی است که به دیدگاه‌های مختلف در مورد زندگی مسیحی می‌پردازد.

و بنابراین، من قصد دارم در نهایت از مسیحیان و دیدگاه‌هایشان انتقاد کنم. من این کار را از قبل با این کلام انجام می‌دهم. من دست دوستی و رفاقت را به همه مؤمنان واقعی به مسیح می‌دهم.

و در واقع، هر پنج دیدگاه مذکور حاوی حقایقی هستند. و با این حال، برخی از آنها تأکیدی دارند که من با احترام با آنها مخالفم. من دیدگاه‌های آنها را از نوشته‌هایشان به اشتراک می‌گذارم و خلاصه می‌کنم، با آنها تعامل می‌کنم، برداشتهای خوب را می‌گیرم و پوسته را دور می‌اندازم.

امیدوارم متوجه شده باشید که نگرش‌های من نه برای بدگویی، بلکه برای تهذیب است. بررسی تاریخی. جلسه سالانه انجمن الهیات انجیلی در سال ۱۹۸۷ را که به معنویت مسیحی اختصاص داشت، به یاد دارم.

از شنیدن نظرات انجیلی‌ها از سنت‌های مختلف و دیگران که دیدگاه‌های خود را در مورد زندگی مسیحی به اشتراک می‌گذاشتند، شگفت‌زده شدم. اگرچه آنها می‌توانستند بر اشتراکات خود با سایر انجیلی‌ها مطابق با انتظارات کنفرانس تأکید کنند، اما بر تمایز خود تأکید کردند. نتیجه، پنج دیدگاه بسیار متفاوت از زندگی مسیحی بود.

یادم می‌آید آنجا نشسته بودم و فکر می‌کردم، اگر یک آدم فقیر، مثلاً یک مؤمن جدید، یک مؤمن جدید تأثیرپذیر، از خیابان به این جلسه می‌آمد، اصلاً خوب نبود، چون آنقدر در تأکیدات اغراق شده بود و به دیدگاه‌های دیگر حمله می‌شد که برای من به عنوان کسی که در آن زمان ۲۰ سال الهیات مسیحی تدریس کرده بودم، شوک بزرگی بود. برای جلوگیری از نتیجه مشابه، قبل از اینکه دیدگاه‌های مختلف در مورد زندگی مسیحی را شرح دهم، نقاط مشترک آنها را با شما در میان می‌گذارم. هر یک از پنج دیدگاه زیر توسط انجیلی‌هایی مطرح می‌شود که به بی‌خطایی کتاب مقدس، تثلیث، واقعیت گناه، تجسم، مرگ، رستاخیز و آمدن دوم مسیح، نجات به لطف الهی از طریق ایمان به مسیح و موارد دیگر اعتقاد دارند.

با این وجود، دیدگاه‌ها در ادامه از نظر تأکید متفاوت هستند. من تقدیس را از پنج دیدگاه خلاصه می‌کنم: لوتری، وسلی، کسویک، پنطیکاستی و اصلاح‌شده.

من قصد دارم شنوندگان و بینندگان را به چند کتاب ارجاع دهم. پنج دیدگاه در مورد تقدیس. زوندروان.

کلی کاپیک، ویراستار. ۱۹۸۹، InterVarsity. معنویت مسیحی، پنج دیدگاه در مورد تقدیس.

لوتری. ۲۰۱۴، InterVarsity. تقدیس، کاوش‌هایی در الهیات و عمل.

دیدگاه لوتری در مورد زندگی مسیحی حول محور اولویت عادل‌شمردگی بنا شده است. ارتباط آن با تقدیس، دیالکتیک شریعت-انجیل، و این حکم لوتر که یک مسیحی همزمان عادل و تصویر است. یک بار دیگر.

دیدگاه لوتری در مورد زندگی مسیحی حول این واقعیت بنا شده است که برای آنها، توجیه باید همیشه در وهله اول باشد. رابطه توجیه با تقدیس، دیالکتیک تقابل شریعت-انجیل لوتری، و حکم لوتر مبنی بر اینکه *Simul justus et peccator*. یک مسیحی همیشه همزمان عادل و گناهکار است.

اصول عقاید مسیحی استاندارد فرانسیس پیر ادعا می‌کند که در الهیات لوتری، اصل توجیه، اصل اصلی و مرکزی است که آموزه مسیحی و کلیسای مسیحی به وسیله آن پابرجا و سقوط می‌کنند. این اوج تمام آموزه‌های مسیحی است. فرانسیس پیر، *اصول عقاید مسیحی*، چهار جلد، جلد ۲، ۵۱۲ تا ۵۱۳.

با این کلمات، سنت لوتر به بنیانگذار آن، که در مورد عادل شمردگی نوشته بود، وفادار می‌ماند. نقل قول: اگر این مقاله پابرجا بماند، کلیسا پابرجا می‌ماند. اگر این مقاله فرو بریزد، کلیسا فرو می‌ریزد.

مارتین لوتر، لوتر چه می‌گوید، گلچینی، سه جلدی، جلد ۲، ۷، صفحه ۷۰۴، یادداشت ۵. توجیه جایگاه مهمی در اصول عقاید لوتری دارد، به طوری که منتقدان گاهی ادعا می‌کنند جایی برای تقدیس در آن وجود ندارد. این درست نیست، اگرچه لوترانیسم از اولویت توجیه بسیار محافظت می‌کند. همانطور که خواهیم دید، پیر دو اصل را تأیید می‌کند که ارتباط بین توجیه و تقدیس را خلاصه می‌کنند.

اولاً، بین عادل شمردگی یا ایمان و تقدیس، ارتباطی جدایی‌ناپذیر وجود دارد. هر جا که عادل شمردگی وجود داشته باشد، در هر صورت، تقدیس نیز وجود دارد. ثانیاً، اما در این ارتباط جدایی‌ناپذیر، نباید گاری را جلوی اسب گذاشت.

یعنی، تقدیس نباید مقدم بر توجیه قرار گیرد، بلکه باید به عنوان پیامد و اثر توجیه در جای مناسب خود قرار گیرد. پیر، اصول عقاید مسیحی، صفحه ۷. اگر فکر می‌کنید این نشان می‌دهد که این موضوع برای بقیه اصول عقاید او که در صفحه ۷ آمده است، نسبتاً اساسی است، حق با شماست. کلید تفسیر لوتری از هر دو عهد، دیالکتیک بین شریعت و انجیل است.

لوتر در کشف انجیل، تمایز شریعت-انجیل را ارج نهاد. او در آن، راهی برای فهم کل کتاب مقدس در پرتو پیام پولس مبنی بر توجیه به واسطه فیض از طریق ایمان به مسیح یافت. شریعت نه تنها نمایانگر ده فرمان، بلکه نمایانگر تمام الزامات، وظایف، تهدیدها، هشدارها و احکام کتاب مقدس است.

انجام خواسته‌های شریعت برای گناهکاران غیرممکن است. رومیان ۳:۱۰. رومیان ۶:۲۳. حتی، نقل قول کنید، تمام اعمال صالح ما مانند لباسی نجس است. اشعیا ۶۴:۶. انسان‌ها و تمام افکار و اعمالشان به گناه آلوده شده است و گناه آنها را در برابر خدای مقدس محکوم می‌کند.

طبق آموزه‌های لوتری، این کارکرد اصلی شریعت است. لوتر، به عنوان حاشیه اشاره کردم که کالوین این کاربرد محکوم‌کننده شریعت را تصدیق می‌کند، اما به زمینه اصلی ده فرمان اشاره می‌کند. من خداوند، خدای تو هستم که تو را از بندگی مصر رهایی بخشیدم، و بعداً، در بحبوحه فرمان اولیه، او به کسانی که مرا دوست دارند و احکام مرا حفظ می‌کنند، مهربانی نشان می‌دهد.

کالوین می‌گوید کاربرد اصلی و اساسی شریعت، راهنمایی برای زندگی مسیحی است. لوتر نگران بود که اگر کسی چنین چیزی بگوید، شریعت را از در پشتی وارد می‌کند و به نوعی عادل شمردگی آزاد را تهدید می‌کند. با این حال، انجیل از ما چیزی نمی‌خواهد، بلکه گناهان ما را از طریق مصلوب شدن عیسی می‌بخشد.

انجیل حتی به گناهکاران فقیر ایمان می‌دهد تا نجات یابند. عیسی در تمام سخنان و اعمالش، به ویژه در مرگ، رستاخیز و پیروزی بعدی‌اش، جانشین ما بود. و همه اینها انجیل است.

خداوند آنچه عیسی برای ما انجام داد را از طریق کلیسا، مقدسات و موعظه کلام به ما منتقل می‌کند. شریعت ما را به ناتوانی مان محکوم می‌کند و ما را به سوی مسیح می‌کشاند، که ما را در انجیل، قدرت خدا برای رستگاری، نجات می‌دهد، رومیان ۱:۱۶. تمایز شریعت-انجیل به ما می‌آموزد که زندگی مسیحی عمدتاً در مورد رعایت قوانین نیست، بلکه در مورد دریافت بخشش خداست.

هر روز، شریعت ما را محکوم می‌کند و مسیح ما را می‌بخشد. این پیام بزرگ کتاب مقدس و بنابراین، پیام بزرگ کلیسا است که زندگی مسیحی بر اساس آن بنا شده است. هر پیام دیگری، گناه گناه را کم‌اهمیت جلوه می‌دهد و ریاکاران را به وجود می‌آورد یا به الهیات مبتنی بر شایستگی منجر می‌شود که پیروان خود را با غرور کاذب پر می‌کند.

لوتر به طور مشهوری مسیحی را کسی تعریف کرد که همزمان در مسیح عادل و گناهکار است. مؤمن، مسیح است؛ مؤمن به مسیح، همزمان از طریق توجیه آزادانه، در نظر خدا عادل و عادل است، اما همیشه و در همه حال، در درون خود گناهکار و گناهکار است. دیوید اسکایر، متکلم لوتری، که در آن کنفرانس در جلسه سخنرانی کرد، وقتی از کسی پیروی کرد که تعلیم می‌داد خداوند با تکیه بر روح القدس و فیض ETS توانمندساز خدا، قصد دارد در زندگی مسیحی پیشرفت کنیم، لرزه بر اندام افتاد.

من از دیوید اسکایر، متکلم لوتری حرفه‌ای، نقل قول می‌کنم که می‌گوید هیچ پیشرفتی در زندگی مسیحی وجود ندارد. ما همیشه و فقط در حال «شبه‌سازی عدالت و بدبینی» هستیم. وای

همین برادر، که او برادری در مسیح و استادی بسیار باهوش است که کتاب‌های زیادی نوشته است، بر اهمیت کلمه «شبه‌سازی» در عین حال در گفته لوتر برای زندگی مسیحی تأکید می‌کند. مفهوم لوتر، من اینجا، به تفصیل از مقاله دیوید اسکایر با عنوان «تقدیس در الهیات لوتری» در فصلنامه الهیات کنکور دیا، ۱۹۸۵ صفحات ۱۸۱ تا ۱۹۵ نقل قول می‌کنم. نقل قول، مفهوم «شبه‌سازی عادلانه و پنهان کار» لوتر برای درک لوتری، نه تنها از توجیه، بلکه از تقدیس نیز اساسی است.

در پیشگاه خدا، شخص کاملاً عادل شمرده می‌شود و همان شخص در درون خود عادل است و خود را گناهکار، به طور همزمان و نه به معنای متوالی است simul می‌بیند. آنچه در این برداشت مهم است، کلمه لاتین گویی یکی از آنها در یک مقطع زمانی به دنبال دیگری می‌آید. در الهیات لوتری، عادل شمردگی رابطه مؤمن با خدا را توصیف می‌کند.

تقدیس، همان واقعیت توجیه‌پذیری را توصیف می‌کند، اما رابطه‌ی مسیحی توجیه‌شده با جهان و جامعه را توصیف می‌کند. توجیه‌پذیری و تقدیس دو واقعیت جداگانه نیستند، بلکه واقعیتی یکسان هستند که از دیدگاه‌های مختلف خدا و انسان نگریسته می‌شوند. از دیدگاه خدا، واقعیت مسیحی کاملاً منفعل و غیرمشارکتی است، زیرا فقط مسیح را دریافت می‌کند.

از منظر جهان، همان واقعیت هرگز از فعالیت خود باز نمی‌ماند و خستگی‌ناپذیر تمام کارهای خوب را انجام می‌دهد. جان وسلی، ۱۷۰۳-۱۷۹۱، نه تنها به عنوان یک مبشر و سازمان‌دهنده گروه‌های شاگردی به موفقیت بزرگی دست یافت، بلکه به عنوان یک متکلم مسیحی نیز از خود اثری به جا گذاشت. الهیات او التقاطی بود و عناصری از پدران یونانی، نویسندگان معنوی قرون وسطی، زهدگرایان، اصلاح‌طلبان و پیوریتن‌ها را با هم ترکیب می‌کرد.

بنابراین، همانطور که انتظار می‌رود، دیدگاه او در مورد تقدیس نیز تک‌رنگ نبود. وسلی اساساً آموزه‌ای اصلاحی در مورد توجیه را آموزش می‌داد که به موجب آن، خداوند همه کسانی را که به عیسی به عنوان

،جانشین خود اعتماد می کنند، عادل اعلام می کند . کسانی که به لطف جهانی و پیشگیرانه پاسخ مثبت می دهند ،به مسیح ایمان می آورند و دوباره متولد می شوند

تقدیس از زمان گرویدن آغاز می شود و تدریجی است و نتیجه فیض تقدیس کننده خداوند می باشد .وسلی به این دیدگاهها، آموزه بلوغ ایماندار را اضافه کرد که به عنوان کمال مسیحی، تقدیس کامل، تقدس یا برکت دوم شناخته می شود .کمال مسیحی، تقدیس کامل، تقدس یا برکت دوم

بنابراین، وسلی تعلیم می داد که تقدیس هم تدریجی است، از زمان گرویدن شروع می شود، و هم در کمال مسیحی آنی است .تقدیس شامل استفاده از روش های معنوی بود، که به خاطر آن او و همکارانش در زمان تحصیل در آکسفورد، لقب متدیسست را به تمسخر دریافت کردند .او تحت تأثیر توماس کمپیس قرار گرفت ،که کتابش «تقلید از مسیح» به یک اثر کلاسیک مذهبی تبدیل شد

،هنوز هم هست .وسلی دریافت که استفاده از انضباط شخصی روشمند به دلیل گناه ذاتی ضروری است سخنان او، اما برای پیروزی بر گناه در زندگی مسیحی کافی نیست .وسلی قبل از اینکه توجیه به واسطه فیض از طریق ایمان به مسیح را تجربه کند، درباره کمال مسیحی شنیده بود

.او این موضوع را در نوشته های توماس کمپیس، اسقف جرمی تیلور و ویلیام لائو، معاصر وسلی، آموخته بود عیسی هدف آن را در دو فرمان بزرگ خلاصه کرده بود :خداوند، خدای خود را با تمام قلب، با تمام روح و با تمام ذهن خود دوست بدار، همسایه خود را مانند خودت دوست بدار، متی ۲۲، آیات ۳۷-۳۹ .وسلی همچنین آن را در آثار پدران یونانی، به ویژه کلمنت اسکندریه، و در نویسندگان معنوی قرون وسطی یافت

پس از آنکه انضباط سختگیرانه او در آکسفورد و جورجیا نتوانست بلوغ مسیحی را به ارمغان بیاورد، خدمت او در جورجیا و گرویدن وسلی به مسیحیت، انتظار او را برای رسیدن به آن تجدید کرد، اما دوباره نتوانست به کمال مسیحی دست یابد .بدین ترتیب، او برای مدتی به این نتیجه رسید که تقدس کامل فقط باید در هنگام مرگ حاصل شود .با این وجود، او در جستجوی کمال مسیحی به تلاش خود ادامه داد و معتقد بود که خداوند می تواند او را به چنین فداکاری خالصانه ای به خدا برساند، همانطور که در نام این آموزه خلاصه می شود

،تقدیس کامل به معنای بی گناهی نیست، باشه؟ به معنای فداکاری تمام عیار به خداست که فرد مرتکب نشود فقط می گویم، گناهان کبیره .من اجازه می دهم او همه چیز را برای ما تشخیص دهد .همانطور که وسلی در کتاب «شرح ساده های از کمال مسیحی» نوشته است، در آثار جان وسلی، جلد ۱۱، صفحات ۳۶۶-۴۶۶ صفحه، وسلی این را بی گناهی نمی دانست، بلکه آن را گناه نکردن عمدی علیه خدا به دلیل عشق بیش از ۱۰۰ حد به او می دانست

،خوب است، درست است .در این زمینه، وسلی هنگام تفسیر اول یوحنا ۳:۹، هر که از خدا زاده شده است گناه نمی کند، ترجمه کینگ جیمز، که از آن استفاده کرده است، گناه را به عنوان یک تخلف داوطلبانه از یک قانون شناخته شده تعریف می کند .او تخلفات غیرارادی را تصدیق می کند، که ما باید تمام زندگی خود را به آن اعتراف کنیم، و سپاسگزار است که مسیح برای همه تخلفات ما، چه داوطلبانه و چه غیرارادی، جان خود را فدا کرد

با این حال، کمال مسیحی مربوط به گناهان ارادی است .مؤمنان تنها زمانی که مسیح بازگردد، از گناهان غیرارادی رهایی خواهند یافت .وسلی در کتاب «شرح ساده های از کمال مسیحی» تأکید می کند که فیض خدا برای نجات و تقدس کامل این زندگی کافی است

وقتی از او خواسته می‌شود تعریف کوتاهی از کمال مسیحی ارائه دهد، توضیح می‌دهد که این کمال شامل عشق خالصی است که به تنهایی در قلب و زندگی حکمفرما باشد. این تمام کمال کتاب مقدس است، نقل قول نزدیک. بسیاری از مسیحیان پس از گرویدن به مسیحیت به تقدس می‌رسند، اما نه همه.

وقتی مؤمنان به آن دست می‌یابند، از سرکشی علیه خدا و فرامین او دست می‌کشند، بلکه با شادی از او اطاعت می‌کنند، کسی که قلب‌هایشان را از عشق به خود پر می‌کند. توماس نوبل نوشت: برای سهم الهیاتی خلاقانه و طولانی مدت وسلی، نقل قول، شاید باید آن را در آموزه زندگی مسیحی جستجو کنیم، نقل قول نزدیک. این آموزه شامل عناصر بسیاری است که یکی از مشهورترین آنها آموزه وسلی در مورد تقدیس کامل است که من سعی در توصیف آن داشته‌ام.

وسلی از بسیاری جهات بر وارثان الهیاتی خود تأثیر گذاشت، از جمله اینکه آموزه کمال مسیحی خود را به آنها به ارث گذاشت. با این حال، از یک نظر، اکثریت از او جدا شدند، در حالی که وسلی تقدیس تدریجی را با تقدیس کامل آنی ترکیب کرد. اکنون از کنت گرایدر از الهیات تقدس وسلی، صفحه ۳۸ نقل قول می‌کنم.

آدام کلارک، معاصر جوان‌تر وسلی، این موضوع را متفاوت از وسلی دید. او می‌نویسد، و من در نقل قول نقل قول می‌کنم، در هیچ بخشی از کتاب مقدس به ما دستور داده نشده است که به تدریج به تقدس دست یابیم. ما باید به سوی خدا بیاییم، همانطور که برای بخشش آنی به او نیاز داریم، برای تطهیر آنی و کامل از همه گناهان نیز به او مراجعه کنیم.

نه بخشش تدریجی و نه تطهیر متوالی در کتاب مقدس وجود ندارند، نقل قول نزدیک. کنت گرایدر به درستی نقل قول، در مورد این موضوع تقدیس تدریجی اشاره می‌کند، جنبش تقدس، دیدگاه کلارک را به جای دیدگاه وسلی، برگرفته از کتاب مقدس می‌دانست. ما در سخنرانی بعدی خود به خلاصه‌ای از دیدگاه‌های مختلف مسیحیان در مورد تقدیس در زندگی مسیحی ادامه خواهیم داد.

این دکتر رابرت پترسون در حال تدریس در مورد رستگاری است. این جلسه ۱۵، فرزندخواندگی، بخش ۲، و تقدیس، بخش ۱، بررسی تاریخی است.